

## ترجمه‌اسامی خاص\*

نویسنده: س. فلورین

مترجم: خلیل قاضی زاده

اگر لباس سنتی «کابوی»، گاوچران امریکایی، راز تن او بیرون آوریم و بر او ردای چوپان صحرای افریقا را بپوشانیم، «کابوی» ظاهر طبیعی خود را از دست می‌دهد و به فردی عرب تبدیل می‌شود. همچنین اگر «گیشایی» ژاپنی را واداریم کیمونوی گشاد و آزاد خود را در آورد و «دیرندل»، لباس تنگ زنان اتریشی را به تن کند، دیگر نمی‌توان او را ژاپنی دانست. برعکس، در تمام کشورهای اروپایی «سوناه» وجود دارد. اما سونای ترکی یا روسی نداریم. سونادر هر کشور شبیه سونای فنلاندی است. و باز بین «توگا»، لباس مرسوم میان رومیان باستان و «توگا»، لباسی که امروز قضات بعضی از کشورهای می‌پوشند، تفاوت بسیاری وجود دارد.

موارد فوق نمونه‌ و اژه‌هایی بود که رنگ تاریخی یا قومی یا محلی دارند و با مشکلی که در نتیجه فقدان اطلاعات زمینه برای مترجم یا خواننده ترجمه پیش می‌آید کاملاً مرتبطند. در ترجمه متون ادبی در عصر ما فقدان اطلاعات زمینه مهمترین مشکل مترجم است. درست است که در برخی موارد مرزهای مکانی و زمانی میان ملتها از میان رفته است، اما در بسیاری از موارد داشتن اطلاعات زمینه لازمه ترجمه است.

اسامی خاص (realia) لغات یا ترکیباتی هستند که بر اشیاء و مفاهیمی دلالت دارند که بیانگر شیوه زندگی، فرهنگ و عناصر خاص اجتماعی و تاریخی یک قوم‌اند. از آنجا که این کلمات دارای بار تاریخی، قومی یا محلی بخصوصی هستند، معمولاً معادلهایی دقیق در زبانهای دیگر ندارند و نمی‌توان آنها را همچون سایر کلمات ترجمه کرد. در انتقال آنها باید روشهای متفاوتی به کار برد.

اسامی خاص را می‌توان بر حسب موضوع یا بر حسب زمان و یا بر حسب حوزه جغرافیایی که آن اسم در آنجا رایج است دسته‌بندی کرد. دسته‌بندی کلی اسامی خاص بر حسب موضوع به قرار زیر است:

۱- اسامی جغرافیایی، مثل fjord (در نروژ، فلات مرتفع و صخره‌دار بدون درخت)، puszta (در مجارستان، چراگاه)، simmom (در عربستان و شمال آفریقا، سموم)، polder (در هلند، زمین پست ساحلی که از طریق سدبندی قابل کشت می‌شود)

۲- اسامی قومی. بیشترین تعداد اسامی خاص را اسامی قومی تشکیل می‌دهد. این اسامی حوزه‌های

\* این مقاله متن سخنرانی س. فلورین با عنوان Realia in Translation است که در نهمین کنگره جهانی فدراسیون بین‌المللی مترجمان در سال ۱۹۸۱ در ورشو ایراد شده است.

مختلفی از جمله هنر، کار، زندگی روزمره، مذهب، اسطوره‌شناسی، فرهنگ بومی، آداب و رسوم و غیره را در بر می‌گیرد. نمونه‌های گوناگونی از این قبیل اسامی به قرار زیر است: *sombrero* (کلاه لبه پهن اسپانیایی و امریکایی)، *moccasins* (کفش سرخ پوستان آمریکای شمالی که از پوست گوزن ساخته می‌شود)، *bungalow* (خانه ییلاقی یک طبقه دارای سقف پوشالی)، *ricksha* (درشکه سرپوشیده ژاپنی که توسط حمال کشیده می‌شود)، *kolkhoz* (مزرعه اشتراکی در روسیه شوروی)، *Valentine* (روز شهادت والتین، هدیه‌ای که روز ۱۴ فوریه به معشوق داده می‌شود)، این فهرست اسامی پایانی ندارد. به اینها باید اسامی وابسته به قومی خاص و همچنین واحدهای مختلف پول و طول و غیره را افزود.

۳- در این گروه می‌توان اسامی را که بیانگر مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی و نیز تقسیمات کشوری هستند جای داد.

غیر از شیوه کلی فوق، اسمهای خاص را می‌توان به روشهای دیگر به دسته‌های کوچکتر تقسیم کرد. همچنین در تقسیم‌بندی کلی که در اینجا ارائه شد می‌توان اسمهای خاص را با توجه به مکان و زمان کاربردشان مجدداً دسته‌بندی کرد. دسته‌بندی اسامی خاص امری کاملاً نسبی است. شاید مناسبترین روش این باشد که آنها را نه بر اساس معیارهای صرفاً منطقه‌ای یا قومی، بلکه بنا بر اصلی زبانی - یعنی بر حسب این که اسم به زبان مبدأ یا به هر دو زبان مبدأ و مقصد تعلق دارد - دسته‌بندی کنیم. اسمهایی را که فقط به یک زبان تعلق دارند می‌توان به اسامی قومی (متداول در یک کشور) اسامی منطقه‌ای (متداول در مناطقی از جهان) و اسامی محلی (متداول در بخشی از یک کشور) تقسیم کرد، همچنین می‌توان اسمهای خاص را به اسامی بین‌المللی (اسمهایی که در ابتدا متعلق به ملیتی خاص بوده ولی بعدها به فرهنگ‌ها و زبانهای دیگر وارد شده است، مثل *canoe* قایق باریک بدون بادبان) و اسامی منطقه‌ای (مثل حاجی در کشورهای اسلامی، پاشا در کشورهای خاور نزدیک) تقسیم‌بندی کرد. اما اگر بخواهیم اسامی خاص را در محدوده دو زبان مبدأ و مقصد بررسی کنیم، ممکن است آنها در یک زبان آشنا و در زبان دیگر بیگانه باشند (برای مثال کلمه *fjord* - فلات مرتفع و صخره‌دار بدون درخت - در ترجمه از زبان نروژی به هر زبان دیگر، و یا برعکس) و یا در هر دو زبان مبدأ و مقصد بیگانه باشند (برای مثال کلمه *fjord* در ترجمه از زبانی غیر نروژی به زبانی غیر نروژی). از نظر زمانی نیز اسامی خاص را می‌توان به اسامی جدید و اسامی قدیمی تقسیم‌بندی کرد، اما باید همواره وابستگی متقابل شیئی با زمان (مثل کلمه *helmet* در عصر شوالیه گری و عصر حاضر) و وابستگی متقابل شیئی با مکان (مثل توگا، لباس رومیان باستان و لباس حرفه‌ای قضات در برخی از کشورها) و از همه مهمتر میزان آشنایی خواننده ترجمه با شیئی را در نظر گرفت. بر این اساس می‌توان اسامی خاص را به دسته‌های زیر نیز تقسیم کرد: اسمهایی که در زبان مقصد پذیرفته شده و در فرهنگ لغت این زبان وارد شده‌اند. اسمهایی که نسبتاً جدید هستند و به ندرت به کار می‌روند. اسمهایی که در دوره‌ای گذرا به کار می‌روند و عمر کوتاهی دارند. در واقع اسامی وضعیت ثابتی ندارند. اسامی جدید یا ماندگار شده یا منسوخ می‌شوند. اسامی قدیمی گاه به اصطلاحات فنی و غیره تبدیل می‌شوند و برعکس. در هر صفحه از

هر فرهنگ اصطلاحات فنی چنین مواردی دیده می‌شود.

بعد از این تقسیم‌بندی کلی اسامی خاص به بخش دوم مقاله که بسیار مهمتر است یعنی روش ترجمه اسامی خاص می‌پردازیم. عبارت «ترجمه اسامی خاص» را با مسامحه به کار می‌بریم زیرا اسامی خاص اساساً غیر قابل ترجمه‌اند و از طریق ترجمه به متن مقصد انتقال نمی‌یابند. مشکل اصلی در ترجمه اسامی خاص فقدان معادل در زبان مقصد و ضرورت انتقال معنی عینی اسامی همراه با بار تاریخی، قومی و محلی آنها به زبان مقصد می‌باشد. برای ترجمه اسامی خاص دو راه وجود دارد: ۱- آوانویسی (transcription) یا حرف‌نویسی (transliteration)، ۲- جایگزینی. آوانویسی و حرف‌نویسی اعمالی مکانیکی هستند و آسانترین روش برای ترجمه اسامی خاص می‌باشند، اما همیشه بهترین راه نیستند. در مواردی که استفاده از این دو روش، نامناسب، نامطلوب و یا حتی ناممکن به نظر می‌رسد، اسامی را به روش جایگزینی ترجمه می‌کنند. جایگزینی به چند طریق ممکن است:

الف. با ساختن واژه جدید. این واژه ممکن است واژه قرضی و در مورد ترکیبات، واژه قرضی ترجمه‌ای (بر اساس ترجمه جداگانه اجزای ترکیب که این عمل را گره برداری نیز می‌گویند) باشد.  
ب. ترکیبی از واژه قرضی و عنصری از زبان مقصد، مثل ترکیب *the third Reich* (رایش سوم) که ترجمه عبارت آلمانی *das Dritte Reich* می‌باشد.

ج- افزودن پیشوند یا پسوند به اسامی قرضی.

د- ساختن واژه یا ترکیبی جدید که بیانگر معنی کلمه باشد. اکثر مترجمان با استفاده از این روش و معمولاً بر اساس پایه (base) ای که از نظر ریشه‌شناسی با لغت زبان مبدأ متفاوت است، کلمات جدیدی به زبان مادری خود می‌افزایند.

۲- ترجمه تقریبی: در این روش که بیش از سایر روشها مورد استفاده قرار می‌گیرد (مترجم معنای عام - نه معنای دقیق و خاص - کلمه را انتقال می‌دهد و در نتیجه بار قومی یا تاریخی یا محلی کلمه معمولاً از میان می‌رود. این نوع ترجمه به چند طریق انجام می‌شود:

الف: جایگزین کردن معنای خاص کلمه با معنایی عام. برای مثال بجای گفتن *یک لیوان vichy* (سودا) می‌توان گفت *یک لیوان آب معدنی*.

ب: استفاده از کلمه‌ای که در زبان مبدأ همان نقش را دارد و همان تأثیر را بر خواننده ترجمه می‌گذارد و یا جایگزین کردن لفظی آشنا و متداول بجای لفظ نامانوس و بیگانه متن مبدأ. برای مثال گاه بجای آوردن نام *یک گل* یا نام *یک نوع بازی* از نام *گل* یا نام *بازی* مشابه آن در زبان مقصد استفاده می‌شود.

ج: توصیف یا توضیح اسم. اگر هیچ *یک* از روشهای فوق به کار نیاید، می‌توان به جای آوردن خود اسم، آن را به شیوه فرهنگهای لغت توصیف کرد و یا معنی آن را توضیح داد.

د: ترجمه اسامی خاص در بافتی متفاوت. گاه اسم خاص زائیده بافتی (context) است که این بافت در فرهنگ مقصد شناخته شده نیست. برای مثال برخی از واژه‌های ساخته شده در کشورهای سوسیالیستی مفاهیمی را بیان می‌کنند که برای خواننده غربی بکلی ناآشناست. با استفاده از این روش

می‌توان معنی عام این قبیل کلمات را با زدودن رنگ محلی آنها در بافتی آشنا ترجمه کرد. روشهای متعددی که تا کنون ذکر کردیم وقتی ارزش دارد که مترجم بتواند بدرستی تشخیص دهد که در هر مورد خاص استفاده از چه روشی مناسب است. اولین مشکلی که در برابر مترجم قرار دارد این است که آیا اسم مورد نظر را باید آوانویسی کند یا «ترجمه» کند. با کدام روش می‌توان تا حد امکان معنی کلمه را بهتر منتقل کرد؟ انتخاب روش درست به ملاحظات زیر بستگی دارد:

الف: ماهیت متن. هر نوع (genre) متن ویژگیهای مخصوصی دارد. در متون علمی، اسامی خاص، همان واژه‌های تخصصی هستند. در متون ادبی مترجم می‌تواند از روش آوانویسی استفاده کند و معنی کلمات را در پانویس توضیح بدهد. اما در ترجمه نمایشنامه، استفاده از پانویس غیرممکن است. اسامی خاص در داستان کوتاه و رمان به یک روش ترجمه نمی‌شوند. در ترجمه کتب کودکان باید از آوانویسی پرهیز کرد و اسامی ناآشنا را در متن توضیح داد. در داستانهای پرماجر اسامی خاص با استفاده از روش آوانویسی در ترجمه حفظ می‌شوند و فضای «خارجی» مطلوبی در داستان به وجود می‌آورند. در کتب علمی که برای استفاده عموم نوشته می‌شود مترجم می‌تواند اسامی خاص را با توضیحات مفصل همراه کند.

ب: اهمیت اسامی خاص. انتخاب مترجم تا حدود زیادی به نقش و اهمیت معنایی کلمه در متن بستگی دارد. مترجم باید نخست معلوم کند آیا این اسم در متن نقشی اساسی و مهم یا نقشی فرعی و کم‌اهمیت دارد. نویسنده وقتی که خود اسم ناآشنایی را در متن می‌آورد، مجبور است به طریقی آن را توضیح دهد و معنی آن را برای خواننده روشن کند. در نتیجه، ترجمه این قبیل اسامی بسیار ساده‌تر است از ترجمه اسمهایی که برای خواننده متن مبدا آشنا ولی برای خواننده ترجمه ناآشناست.

ج: ماهیت اسم خاص. بسیاری از ویژگیهای اسامی، از قبیل آشنا بودن یا آشنا نبودن اسم، وابسته بودن اسم به مکان یا زمان خاص و غیره، در انتخاب روش مناسب برای ترجمه آنها دخالت دارد. د: خصوصیات زبان مقصد. برخی از ویژگیهای زبان مقصد از قبیل نظام دستوری آن، امکانات بالقوه و آوازه‌سازی آن، امکان یا عدم امکان استفاده از واژه‌های قرضی و غیره، در ترجمه اسامی خاص نقش دارند.

ه: مخاطب ترجمه. عامل تعیین کننده در انتخاب روش ترجمه، مخاطب ترجمه است. مترجم در ترجمه هر متن، مخاطبی در نظر دارد و متن را برای او ترجمه می‌کند. اگر ترجمه برای مخاطب قابل درک نباشد، مترجم به هدف خود دست نیافته و نتوانسته با خواننده ارتباط برقرار کند. اگر اسامی خاص به روشهایی ترجمه بشوند که رنگ محلی یا تاریخی آنها بکلی از میان برود، باز هم مترجم به هدف خود دست نیافته است. مترجم باید خواننده‌اش را بشناسد و در هر مورد بداند که آیا خواننده‌اش آن اسم را به عین لفظ بهتر می‌پذیرد یا معادل آن را، و در هر حال باید دقت کند تا بخشی از معنی را که در جریان انتقال به زبان مبدا از میان می‌رود به طریقی دیگر جبران کند. در پایان باید تأکید کنم هدف من در این مقاله تجویز دستورالعمل‌هایی خاص برای ترجمه اسامی خاص نبود، زیرا تصمیم مترجم در نهایت به نوع اسم و ارزیابی دقیق او از آن اسم بستگی دارد.